



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

انترناسیونال ۴۵۲

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت www.m-hekmat.com

جمعه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۱، ۱۱ می ۲۰۱۲

**گرامی باد خاطره فرزاد
کمانگر، شیرین علم هولی،
فرهاد وکیلی، علی حیدریان و
مهدی اسلامیان**

که در روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ توسط
رژیم جنایتکار جنایتکار جمهوری اسلامی
اعدام شدند.



**بن بست جهانی
"ریاضت کشی":
از سارکوزی تا احمدی نژاد!**



های "کینزی" سه دهه قبلتر از کار
در خواهد آمد. نباید فراموش کرد
که موفقیت سیاست های کینزی
بر نابودی عظیم نیروهای مولده
ناشی از دو جنگ جهانی و صدور
سرمایه به جهان سوم و کار ارزان
استوار بود و به سهم خود دوره ای
از رونق و سودآوری بالای سرمایه
را موجب شد. آن شرایط دیگر
وجود ندارد. اتفاقا مکتب
شیکاگو و نئوکسنرواتیسم و باز
گذاشتن کامل دست بازار و بانک
و بورس، جواب بورژوازی به پایان
آن دوره بود که با بحران های دهه
۸۰ قرن بیست میلادی شروع شد.
در نتیجه حتی انتقادات لطیفی که
آقای اولاند علیه ریاضت کشی

مصطفی صابر

اهمیت انتخاب فرانسه پیروزی
فرانسوا اولاند نبود. شکست
جناب سرکوزی بود. که خود تنها
جلوه ای از شکست یک سیاست
جهانی بورژوازی بود. انعکاس بن
بست سیاستهای راست و مبتنی
بر ریاضت کشی اقتصادی بود که
حرف اول و آخر بورژوازی در همه
جاست و علیرغم همه تهاجمات
بورژوازی و قلع و قمع همه گوشه
های زندگی و حقوق طبقه کارگر
هنوز جواب نمی دهد. بن بستی
که به دولت های محدود نیست،
شامل حال اپوزیسیون بورژوایی
هم میشود. فرانسوا اولاند و
سیاست های جناح چپ بورژوازی
پاسخ بحران اقتصادی و سیاسی
فعالی نیست. همچنانکه سارکوزی
کاریکاتوری از ریگان و تاجر و
سیاست های "مکتب شیکاگو" در
سه دهه گذشته بود، اولاند هم
حداکثر کاریکاتوری از سیاست

ادامه صفحه ۸

"سونامی بیکاری" و جنگ طبقاتی

شهلا دانشفر

شود که طبقه حاکم در ایران و
حکومت اسلامی همیشه چه خوابی برای
کارگران دیده اند. بگذارید اول چند
خبر را در این زمینه مرور کنیم.

خبرگزاری حکومتی "مهر" طی
گزارشی از احتمال وقوع موج جدید
و گسترده بیکاری در ایران خبر

ادامه صفحه ۹

اکنون از دست اندرکاران جمهوری
اسلامی میشنویم که به دلیل
ورشکستگی پی در پی کارخانجات،
قرار است ابعاد بیکاری به جایی
برسد که در سی سال گذشته بی
سابقه بوده است. اخبار حول انگیز
در مورد بیکاریهای میلیونی را
کنار خبرهای حول انگیز تر در مورد
ابعاد تورم و گرانی بگذارید تا روشن

در کشوری که هیچگونه بیمه
بیکاری و تامین اجتماعی ای
معنی ندارد، بیکار شدن برای
هر کارگری یک فاجعه است. و در این
کشور یعنی ایران تحت حاکمیت
جمهوری اسلامی، میلیونها نفر
بیکار وجود دارد. و نه فقط این،

بازتاب هفته

یونان به کجا می رود ؟

سیاوش شهابی

انقلاب مردم بر علیه

رژیم اسد ادامه دارد!

محمد شکوهی

بهار استان کبک در کانادا

ناصر اصغری

فقط فقر و

بیکار سازی و گرانی ،

نیاز به مجوز قانونی ندارد!

مهراب دشتی

از نام خلیج تا

حکم قتل شاهین نجفی

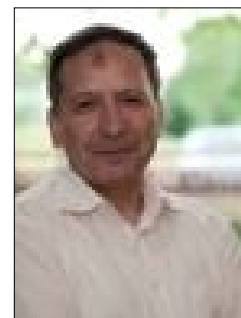
(فتوای ارتداد جرم جنایی است)

یاشار سهندی

صفحات ۶-۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در جستجوی راه خروج از بن بست انتخابات ۶ مه در فرانسه و یونان



بهروز مهرآبی

روز یکشنبه ۶ مه دو انتخابات در دو کشور اروپا انجام شد، انتخابات رئیس جمهوری در فرانسه و انتخابات قبل از موعد پارلمانی در یونان. تحلیلگران سیاسی که این دو انتخابات را تفسیر کرده اند، همگی متفق القولند که در هر دو کشور چپ دست بالا را داشته و جناح بندی های سیاسی بسیار برجسته تر و قطبی تر از سالهای قبل و انتخابات های قبلی بوده است. در هر دو کشور میزان آرای احزاب چپ بسیار بالا رفته است. در یونان میزان رای احزاب مخالف با طرح ریاضت اقتصادی که از طرف اتحادیه اروپا مطرح شده بود، اکثریت پیدا کرد. در فرانسه نیز فرانسوا اولاند رهبر حزب سوسیالیست بطور ناگهانی به چپ گرایش پیدا کرد و خواستهایی از قبیل افزایش مالیات ثروتمندان، پائین آوردن سن بازنشستگی و استخدام های جدید در بخش های خدمات دولتی را مطرح نمود. امری که بدون تردید عامل اصلی در برنده شدن او می توان به حساب آورد.

آقای اولاند خواب نما نشده است و در یکی دو سال اخیر هم تغییر عمده ای در رهبری و مواضع حزب ایشان بوجود نیامده است. بسیاری از شعار های انتخاباتی آقای اولاند

را نمی توان راه برون رفت از بحران عمیق اقتصادی دانست که فرانسه همانند سایر کشورهای اروپایی با آن دست به گریبان است. شعارهای حزب سوسیالیست مورد تأیید بخشی از نیروهای محافظه کار و راست فرانسه نیز قرار گرفت. این نیروها در دور دوم انتخابات اعلام کردند که به اولاند رای خواهند داد. بخش عمده سرمایه داری فرانسه با وجود اختلافات درونی بر سر انحام عقب نشینی های کوچکی به توافق رسیدند. اما این عقب نشینی ها و شعارهای حزب سوسیالیست با خواست های واقعی مردم فرسنگها فاصله دارد و حتی خوشبین ترین طرفداران آقای اولاند در مورد عملی شدن همین مقدار قول های انتخاباتی او نیز اظهار تردید می کنند.

پیروزی حزب فرانسوا اولاند نشان دهنده بن بست سرمایه داری فرانسه و مهمتر از آن نگرانی از ادامه اوج گرفتن اعتراضات در خیابانهای پاریس و سایر شهرهای فرانسه است. انتخابات فرانسه تحت تأثیر شبی بود که این بار نه فقط در اروپا بلکه در سراسر جهان سایه افکنده است: از میدان التحرير قاهره تا خیابان های تهران و کوچه پس کوچه های پاریس، در میدان لندن و در لایبای آسمانخراش های نیویورک. شب ۹۹ درصدی ها! شهرهای فرانسه در سالهای اخیر شاهد اعتراضات خیابانی گسترده ای بوده اند که در مواردی کنترل بعضی از مناطق شهری از اختیار نیروهای دولتی خارج شد. بورژوازی فرانسه امید دارد با کمی عقب نشینی بتواند مانع از سر بلند کردن این اعتراضات شود. فرانسه جزیره دور افتاده ای در اقیانوس سرمایه داری نیست که بتواند خارج از نفوذ

دوران کوتاهتر از دوران ریاست جمهوری آقای اولاند خواهد بود.

بن بست سرمایه داری در یونان آشکارا خود را نشان می دهد. دو حزب عمده ای که بطور سنتی قدرت دولتی را در دست داشته اند، حتی در ائتلاف با یکدیگر نتوانستند دولت تشکیل دهند. حزب ائتلاف چپ هم از تشکیل دولت اظهار عجز کرد و احتمالاً کار به برگزاری انتخابات مجدد خواهد انجامید. بحران یونان عمیق تر از آن است که احزاب موجود بتوانند راه حلی برای آن ارائه کنند. راه حل های این احزاب گذشته از هر اختلافی، یک وجه مشترک دارند، که دیگر کارآئی ندارند. همه احزاب از راست تا چپ تلاش می کنند تا در میدان سرمایه داری بازی کنند و بر اساس قواعد آن رفتار کنند. دولت آتی

یونان چه پاکت اقتصادی اتحادیه اروپا را مورد تأیید قرار دهد و یا آترا رد کند، چه در اتحادیه اروپا باقی بماند و یا از آن خارج شود، نمی تواند چیزی جز بدهی بیشتر، فقر و فلاکت بیشتر به مردم این کشور بدهد. کارشناسان مختلف اقتصادی در تحلیل های خود و در بررسی راه حال های مختلف چشم انداز دیگری برای یونان نمی بینند. اما آنچه که همه این کارشناسان و سیاستمداران آگاهانه و غامدانه در باره آن سکوت می کنند و حتی در مقابل آن می ایستند، افقی است که بیش از یک قرن و نیم پیش توسط مارکس در مقابل جهان قرار داد. افق سوسیالیسم! راهی که بطور واقعی در مقابل جامعه یونان و بسیاری از کشورهای دنیا قرار گرفته است.

سوسیالیسم یا بربریت!

بورژوازی جهانی از پست مدرنیسم رد شده، از نئوکنسرواتیسم و لیبرالیسم رد شده. ... فریدمنیسم ورشکسته شده ولی بورژوازی نمی تواند به کینز هم برگردد. نمی تواند به مدرنیسم برگردد. نمی تواند به لیبرالیسم و به کنسرواتیسم کلاسیک برگردد. بورژوازی تزنوئی، مکتب نو، توجیه و تبیین نوئی می خواهد که ملزوماتش فراهم نیست. بنظرم بورژوازی دنیا ممکن است بحران را حل کند ولی تاکتیکی، از این ستون تا آن ستون.

حمید تقوایی

سخنرانی افتتاحیه در کنگره هشتم حزب



تلویزیون کانال جدید

مشخصات ماهواره هات برد : فرکانس

۱۱۶۰۴- اف ای سی ۶ / ۵ افقی سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ شبکه KBC

ساعات پخش: ۷ تا ۹ شب به وقت اروپای مرکزی (۹ و نیم تا ۱۱ و نیم شب به وقت ایران)

nctv.tamas@gmail.com

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹

نامه سرگشاده مینا احدی به سازمانهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی و سازمانهای سکولار و مدافع حقوق انسانی



مینا احدی

چرا به فتوای قتل شاهین نجفی اعتراض نمی کنید؟
یک هنرمند جوان فقط بدلیل اینکه آهنگی اجرا کرده، موجی از تهمت و افترا و فحاشی و لمپنیسم و در عین حال یک فتوای مرگ دریافت میکند و بیش از سی و چند ساعت است که در سایتها و در فیس بوک و در رسانه های جمهوری اسلامی، علیه او لجن پراکنی میکنند و اکثریت اپوزیسیون و رسانه های متعدد خارج از کشور در این مورد یا سکوت کرده اند و یا در نهایت خبر کوتاهی از این "آکسیون" جدید حکومت جنایتکار اسلامی را بدون موضعگیری پخش کرده اند.

آیا این موضوع مهم نیست؟ آیا نباید بلافاصله موضعگیری کرد و تو دهن حکومتی زد که بدلیل یک آهنگ در روز روشن فتوا میدهد و سایتهای مزدورانش عکس شاهین نجفی خواننده ایرانی - آلمانی را در حالیکه به سرش نشانه رفته اند، و یا برای سرش پول تعیین کرده اند، را پخش میکنند.

سوال من از همه احزاب و شخصیتهای سیاسی اپوزیسیون، از سلطنت طلبان، سکولارها و چپهای سرنگونی طلب و همه روشنفکران و قلم بدستان و ... اینست که چرا در

این مورد سکوت کرده اید؟

واقعیت اینست که این اولین بار نیست که مشتکی آخوند از گور برخاسته فرمان مرگ صادر میکنند و آنجایی که دستشان برسد، اعدام میکنند و یا در خارج از کشور ترور سازمان میدهند. این بخشی از هویت جنبش اسلامی است که با جوخه اعدام و تیرباران و ترور جان گرفته و همه این جنایات را به اسم الله و پیغمبرشان توجیه میکنند و برای اینکه بمانند و بچاپند به این تقدس و هاله نورانی در مورد مذهب و اسلام و امام و پیغمبرشان احتیاج دارند. آنها در قرن بیست و یک علنا اعلام میکنند که خروج از اسلام را با مرگ پاسخ میدهند. و هر نوع نقد و مزاح از پیغمبر و امامانشان را با گلوله پاسخ میدهند.

در بین اپوزیسیون جمهوری اسلامی مدتهاست که بحث آلترناتیو حکومت اسلامی در میان است. آلترناتیو این دهن بستن و مقدس اعلام کردن برخی موضوعات و اجازه ندادن به وارد شدن هنر و نقد و مزاح به این محدوده ها، آیا چیزی بجز آزادی بی قید و شرط بیان و آزادی کامل هنر است؟ چرا در این مورد آلترناتیوتان را اعلام نمیکنید؟

آیا نباید امروز و در این جنگ و جدال از آزادی بیان دفاع کرد؟ آیا نباید در این دعوا یکطرف ایستاد و علیه ارتجاع و جنایت و دهن بستن و خون ریختن حرف زد؟

تکلیف اصلاح طلبان حکومتی و جنبش ملی اسلامی ظاهرا در این دعوا روشن است. جناب مجتبی واحدی و تعدادی از دوستانشان، اعلام برائت از شاهین نجفی کرده و

خواهان راه انداختن کمپینی در تقبیح کار او هستند. ظاهرا اسم بردن از یک امام در یک شعر "توهین" به ایشان و یا توهین به اعتقادات "مردم" است و اینها که از ازل تا ابد نماینده مردم هستند، از طرف مردم علیه مردم چاقو میکشند و با خونریزی میخوانند همان مردم را ساکت کنند!! یک نفر در صفحه فیس بوک واحدی نوشته بود: من ضد اسلام هستم و خدا را قبول ندارم باید کی را ببینم؟

گوشه‌ایان را به زمین بچسبانید و همه یک جنبش عظیم ضد مذهبی در ایران را بشنوید. سی و سه سال حکومت فاشیست اسلامی با اصلاح طلب و اصولگرا و با مکتلا و معمم اش خون ریخته و جنایت کرده و همه این فجایع را با اتکا به خدا و پیغمبر و اسلام و همین هاله تقدس انجام داده است. پس عادی ترین عکس العمل جامعه حمله به این سنگرها و شکستن این تابو ها است. چیزی که روزمره اتفاق می افتد و شعر شاهین نجفی یکی از بروزات این جنبش است.

دوستان گرامی!

برای مقابله با حکومت اسلامی و برای سرنگونی این حکومت باید در این زمینه ها حرف زد و مبارزه کرد و علیه بستن دهانها و در دفاع از آزادی بی قیدی و شرط بیان به میدان آمد. کمترین انتظار از احزاب اپوزیسیون حکومت اسلامی اینست که در مقابل این فتوای جنایتکارانه و تحریک ابواب چاقو بدست حکومت الله حرفی بزنند.

مینا احدی

۱۰ ماه مه ۲۰۱۲

درمورد فتوای قتل علیه شاهین نجفی صافی گلپایگانی باید در یک دادگاه بین المللی محاکمه شود

گلپایگانی و هر جنایتکار دیگری که فتوای قتل صادر میکند باید به دادگاه های بین المللی کشانده شود و محاکمه شود. شاهین نجفی شهروند آلمان است و دولت این کشور موظف است امنیت او را تضمین کند و در مقابل صدور حکم قتل شهروندان خود اقدام کند.

حزب کمونیست کارگری ضمن دفاع قاطعانه از آزادی بی قید و شرط بیان و نقد و هجو مذهب، جریانات به اصطلاح اپوزیسیون را که به بهانه های مختلف در این مورد سکوت میکنند افشا و جریاناتی مانند مجتبی واحدی که به همراهی از صافی جنایتکار بیانیه صادر کرده است را شدیداً محکوم میکند و از همه مردم آزاد میخواند نسبت به عکس العمل جریانات مختلف اپوزیسیون و شبه اپوزیسیون حساس باشند. هیچ نوع مماشاتی و با هیچ توجیه و بهانه ای توسط احزاب و سازمان های سیاسی اپوزیسیون و دولت ها قابل گذشت نیست.

باید موجی از حمایت از شاهین نجفی و آزادی بیان در ایران و در سراسر جهان براه انداخت و جنایتکاران اسلامی حاکم بر ایران را سرچایشان نشانند. این بخشی از مبارزه برای سرنگونی حکومت ترور و سراپا جنایت اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ مه ۲۰۱۲

۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۱

آیت اله صافی گلپایگانی حکم ارتداد کسانی را که به امام هادی توهین کرده اند صادر کرد و بدنبال آن خبرگزاری فارسی و چاقو کشان جمهوری اسلامی برای قتل شاهین نجفی، خواننده رپ، بخاطر اجرای آهنگ "تقی" که در هجو امام نقی خوانده است، اعلام آمادگی کرده اند.

اولین بار نیست که آدمکشان حاکم بر ایران حکم قتل مخالفین، هنرمندان و منتقدین خود در خارج از مرزهای ایران را صادر میکنند. خمینی سرکرده این جانباں، شخصا فتوای قتل سلمان رشدی را صادر کرد. چندی پیش نیز آیت اله لنگرانی حکم قتل رافق تقی نویسنده سکولار آذربایجانی را صادر کرد که در پی آن، رافق تقی با ضربات چاقوی یک تروریست اسلامی مجروح و در بیمارستان بستری شد و در آنجا نیز بطرز مرموزی در گذشت.

حزب کمونیست کارگری فتوای آدمکشان جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم میکند و مردم ایران، در داخل و خارج کشور و مردم آزادیخواه و نهادها و سازمانهای سکولار و مدافع حقوق انسان در سراسر جهان را فرامیخواند که در دفاع قاطعانه از آزادی بیان و علیه فتوای جنایتکاران حاکم بر ایران به میدان بیایند. حکم ارتداد و فتوای قتل یک جرم جنائی است و باید توسط نهادهای بین المللی مورد پیگرد قانونی قرار گیرد. صافی

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

بازتاب هفته

یونان به کجا می رود ؟



شهاب بهرامی

حزب چپ‌گرای "سیریزا" این وظیفه را به عهده گرفت. آقای "آلکسیس تسپیراس"، رئیس حزب چپ‌گرای "سیریزا" توافقات دولت پیشین یونان در ارتباط با کمک‌های مالی اتحادیه اروپا را نامعتبر دانست و اظهار نمود که موافقت‌های دولت سابق، در رابطه با بسته کمک‌های مالی اتحادیه اروپا، از درجه اعتبار ساقط است. از نظر ایشان، مردم یونان در انتخابات روز یکشنبه، در مورد این لغو، تصمیم‌گیری کرده‌اند، چرا که اکثر آنان به احزابی که مخالف برنامه ریاضت اقتصادی‌اند رای مثبت داده‌اند.

آینده ناروشن یونان پس از پاسخ منفی مردم به بسته "ریاضت اقتصادی" می‌تواند نشانی از آینده‌ای تیره و تارتر برای کل اقتصاد اتحادیه اروپا باشد. چپ‌ها هم، روز پنجشنبه جهت تشکیل دولت ائتلافی، ناکام ماندند. اینک نوبت به حزب سوم انتخابات، یعنی حزب

گزینش تاکتیکی مردم در انتخابات مجلس، در عین حال مجازات دو حزب اصلی "پاسوک" و "دمکراسی نوین" بود که از اواسط دهه هفتاد میلادی، قدرت را از سرهنگها گرفته و طی چهل سال، "داینستی" وار به قدرت سیاسی چنگ انداخته، ثروتهای افسانه‌ای اندوخته و با گزافه‌گویی‌های بیش‌رمانه و سخیف، بار گناهانشان را بر دوش "دیگران" می‌اندازند. این احزاب با دغلکاری خاص سیاستمداران، مسئول‌بدهی‌های میلیاردی، بیکار سازی‌های میلیونی و فقر و فاقه‌ای که به جامعه تحمیل شده است هستند.

بدنبال شکست و ناکامی حزب محافظه‌کار "دمکراسی نوین" در روز سه شنبه برای تشکیل دولت،

ادامه صفحه ۱۲



محمد شکوهی

بعد از گذشت نزدیک به یک ماه از قبول آتش بس پیشنهادی عنان و سازمان ملل توسط رژیم اسد، سرکوب مردم کماکان ادامه دارد. از ۱۲ آوریل روز به اجرا گذاشتن آتش بس تا به امروز بیش از ۷۰۰ نفر کشته و هزاران نفر زخمی گشته‌اند. رژیم اسد به بهانه‌های گوناگون ناظران سازمان ملل را از ورود به شهرهای حصص، درعا و بانیاس و دیرالزور که کانون اصلی اعتراضات مردم و درگیری‌ها با نیروهای دولتی می‌باشد، ممانعت می‌کند. بهانه دولت سوریه از ورود ناظران به شهرهای نامبرده، وجود "گروه‌های تروریستی که آتش بس را تهدید می‌کنند"، اعلام شده است. این سیاست رژیم سوریه علیرغم موافقت مخالفان رژیم با آتش بس به عنوان اهرم فشاری برای خرید وقت توسط رژیم و ادامه سرکوب‌ها می‌باشد. در این میان تظاهرات‌های صدها هزار نفری مردم در شهرهای بزرگی چون دمشق، حلب و حمص بر علیه رژیم کماکان ادامه دارد. مردم خواهان تامین امنیت برگزاری تظاهرات توسط نیروهای ناظر سازمان ملل شده‌اند. نیروهای ناظر هم جسته و گریخته ناچار شده‌اند به خواست مردم تن بدهند. رژیم اسد این موضوع را بهانه‌ای برای تشدید سرکوب خود قرار داده و نیروهای ناظر سازمان ملل را به حمایت از "تروریستها" متهم نموده است.

با گذشت بیش از سه هفته از به اجرا گذاشتن آتش بس، سازمان ملل و کوفی عنان نسبت به پایدار بودن

آتش بس ابراز تردید جدی کرده و از رژیم اسد خواسته‌اند که آتش بس را رعایت نمایند. اما رژیم اسد بدون توجه به فشارهای جهانی به سیاست سرکوب وحشیانه خود ادامه می‌دهد. بر اساس طرح شش ماده‌ای عنان قرار بود نیروهای ارتش و تانک‌ها شهرهای اشغال شده را ترک کرده، ناظران سازمان ملل در این شهرها مستقر شده، سازمانهای امداد رسانی امرکمک رسانی به مردم را آغاز نموده تا زمینه‌های آغاز "گفتگوهای ملی" برای پایان دادن به "بحران سوریه"، فراهم آید. اکنون بعد از گذشت سه هفته رژیم اسد از انجام این توافقات سر باز می‌زند.

بر اساس گزارشات مسئولان گروه‌های ناظر بر آتش بس سازمان ملل، ارتش و تانک‌ها از شهرها خارج شده و در حومه شهرها موضع گرفته‌اند. ارتش و نیروهای نظامی به بهانه حملات مخالفان به قرارگاه‌های ارتش در حومه شهرها و شکستن آتش بس، تقریباً هر روز به گلوله باران شهرها ادامه می‌دهند. ادامه سیاست کثیف محاصره شهرها توسط ارتش و توپ باران مردم ساکن شهرها، امکان ورود نیروهای امدادرسانی و بویژه امکانات پزشکی به شهرها را با مشکلات جدی روبرو کرده است.

در هفته گذشته صلیب سرخ از نیروهای ناظر درخواست کرد که کاروانهای کمک رسانی را برای ورود به شهرهای اسکورت نماید که بلافاصله رژیم اسد اعلام کرد که این کار مخالف توافقات آتش می‌باشد. سیاست ضد انسانی رژیم اسد در جلوگیری از ورود کمک‌های جهانی به شهرهای حمص، دیرالزور، درعا و بانیاس باعث شده که زخمی‌ها در بیمارستانها بدون دارو و امکانات پزشکی با مرگ تدریجی روبرو گردند. بر اساس گزارشات منتشر شده تمام تجهیزات و امکانات

بیمارستان‌های شهرهای نامبرده توسط ارتش تخریب و یا از شهر تقریباً ابتدایی ترین امکانات درمانی و پزشکی نایاب شده است. در نتیجه این امر روزانه ۵ الی ۷ نفر از مجروحان جان خود را از دست می‌دهند. تلاش‌های سازمان ملل و سازمانهای امداد رسانی برای تامین حداقل‌های امکانات پزشکی با مخالفت ارتش و دولت سوریه روبرو شده و اوضاع روبروز وخیم تر می‌شود.

در کنار این سیاست ضد انسانی رژیم اسد برای به زانو درآوردن انقلاب مردم، در هفته‌های اخیر رسماً به عملیات تروریستی بر علیه مخالفان دست زده است. نیروهای اطلاعاتی و امنیتی به همراه گروه‌های نظامی وابسته به ارگانهای سرکوبگر رژیم اقدام به عملیات انتحاری، بمب‌گذاری در مراکز پر رفت و آمد شهرها و در محل‌های استقرار ارگانهای سرکوب زده تا فضا و جو شهرها را بر علیه مردم و نیروهای مخالف تحت تاثیر قرار داده و به این بهانه سیاست سرکوب و دستگیرهای گسترده را عملی نماید. در هفته اخیر چندین انفجار بزرگ توسط دار و دسته‌های ترور سازمان یافته توسط رژیم صورت گرفت که صدها نفر از مردم کشته و زخمی و گشته‌اند. در این میان رسانه‌های حکومتی با طرح‌های از قبل آماده شده اقدام به پوشش خبری این عملیات تروریستی کرده و با پخش مارش‌های نظامی به همراه نشان دادن تصاویر کشته شدگان و مجروحان عملیات تروریستی، بر علیه مردم و نیروهای مخالف دست به شایعه پراکنی زده و رسماً نیروهای مخالفان را مسئول این عملیات به مردم نشان می‌دهند. سیاست شاتناژ و تبلیغ بر علیه

ادامه صفحه ۸

بازتاب هفته

فقط فقر و

بیکار سازی و گرانی ، نیاز به مجوز قانونی ندارد!

مهراب دشتی

کارمندان، بستگی به مجوز مجلس دارد چرا که تورم را است. وی در پاسخ به سوال خبرنگاری که پرسیده بود: آیا منابع مالی برای پرداخت این افزایش حقوق در کشور وجود دارد، گفت: "از نظر مالی مشکلی نداریم فقط بستگی به تصویب مجلس دارد". این نماینده ی سرمایه داران و آیت اله های میلیاردر با زبان بی زبانی می گوید که ثروت از سر و کول این کشور بالا می رود اما برای اینکه بخش ناچیزی از این ثروت که به دست کارگران و توده های زحمتکش تولید شده است، بعنوان دستمزد به صاحبان اصلی آن باز گردد، عده ای وکیل السلاطین که خود را صاحب و مالک این ثروت ها می دانند، باید در این باره تصمیم بگیرند. مردم به درستی نتیجه می گیرند که گران کردن چندین و چند باره ی ارزاق عمومی در طول ۲ ماه گذشته، با مجوز مجلس و بر اساس قوانین "غارت اسلامی" بوده است. بازار و اصناف که سرخ و قدرت اقتصادی اصلی آن ها در دست آقازاده ها و اطلاعاتی ها و سپاهی هاست، هر وقت که دلشان خواسته اجناس خود را گران کرده اند، اما بالا رفتن سنواتی حقوق کارگران و کارمندان حقوق کارکنان که در صورت اجرا شدن حتا يك چهارم گرانی های ایجاد شده را جبران نمی کند، دست خودشان نیست و در اختیار مجلس اسلامی است تا برای آن مجوز قانونی! صادر نماید.

مردم ماهیت دولت و مجلس را

ادامه صفحه ۱۲

با گذشت نزدیک به ۲ ماه از سال ۹۱، قطار گرانی بدون ترمز به پیش می رود و قصد ندارد در هیچ ایستگاهی هم توقف کند. در این میان علیرغم نفی و انکار احمدی نژاد و وزرای اقتصادی کابینه اش راجع به گرانی افسارگسیخته، در هفته ی گذشته هم احمدی نژاد به وجود گرانی سرسام آور اعتراف کرد و هم وزیر بازرگانی اش ضمن قبول وجود گرانی کمرشکن کالاهای اساسی و خدمات پزشکی و حمل و نقل و مسکن، سعی نمود فراقنی کرده، گناه را به گردن عوامل خارجی بیندازد. از سوی دیگر، جناح رقیب حاکم بر ایران که تعدادی از آیات عظام! و امامان جمعه و مافیای اقتصاد بازار را تشکیل می دهند، لب باز کرده اند سعی می کنند به قول خودشان، "گروه انحرافی" را عامل فقر و بیکاری و گرانی معرفی نمایند تا از این طریق کلیت نظام سرمایه داری حاکم بر ایران را از نوک حمله ی مردم دورنگه دارند. کله گنده های رژیم برای مقصرین اصلی گرانی، خط و نشان های قضایی و انتظامی می کشند تا شاید اعتراضات مردمی را کم رنگ کرده و کاهش دهند و برای برون رفت از این بحران سرنگون ساز خود، زمان بخرند. در همین حال معاون اول احمدی نژاد آب پاکی را روی دست همه ریخته و گفت که "برنامه ای برای کنترل قیمت ها نداریم".

در همین گیر و دار معاون بودجه و برنامه ریزی رئیس جمهور اعلام کرد که "افزایش ۱۵ درصدی حقوق

از نام خلیج تا حکم قتل شاهین نجفی (فتوای ارتداد جرم جنایی است)

یاشار سهندی

جمعه گذشته "خبر اول" تلویزیون فارسی بی بی سی این بود که نام "خلیج فارس" از "گوگل میپز" حذف شده و به تاکید بی بی سی این عمل "خشم بعضی از کاربران ایرانی" را، در پی داشته است. بی بی سی هم جستجو کرده و دیده حق با این بعضی از کاربران است (البته خدا عالم است که آن بعضی از کاربران کارمندان خود بی بی سی فارسی بودند یا خیر!). بی بی سی با مسئولان گوگل تماس گرفته و پرسیده که چرا این کار را کردید؟ آنها هم گفته اند که اهل کار سیاسی نیستند! بعد بی بی سی ثابت کرد، البته کاملاً بی طرفانه، که کاسه ای زیر نیم کاسه است. وقتی گوگل در جواب سوال بی بی سی میگوید: "سیاستش این نیست که همه مناطق جهان را روی سرویس نقشه اش نامگذاری کند." سپس بی بی سی کشف کرد که در یکی از خدمات گوگل - گوگل ارث پف این خلیج نام دارد. نه يك نام بلکه دو عدد، یکی خلیج فارس و دیگری خلیج عربی. بعد از آن بود که دوباره موجی دیگر از ناسیونالیسم ایرانی براه افتاد که "چه نشسته اید هویت مان از بین رفت!" نام این خلیج سالیانی است که تبدیل به مناقشه از نوع "جنگ سرد" بین ناسیونالیسم ایرانی و عربی شده است. اگر هم هفته گذشته خبر اول بی بی سی شد دلیلش را باید در همین دعوا جستجو کرد که برای بعضی نان دارد! بی بی سی بارها تاکید کرده که "اهمیت خبر" تعیین میکند که آن خبر اساساً پخش گردد یا خیر. البته اهمیت خبر را خود بی بی سی تشخیص میدهد و این صد البته "حق مسلم" ایشان است.

بهر حال گویا "خشم بعضی" و فقط بعضی!، بی بی سی را وادار کرده است که موضوع اسم خلیج را بعنوان خبر اول خود درج کند. در روزهای پایانی همین هفته در پی انتشار ترانه ای به نام "نقی" از شاهین نجفی خواننده رپ که بازتاب گسترده ای در شبکه اجتماعی داشته یکی از گورخواستگان حوزه علمیه قم به نام آیت الله صافی حکم ارتداد خواننده را صادر کرده است. این یعنی رسماً و علناً يك نفر در روز روشن حکم قتل يك نفر دیگر را بدهد. اما این خبر گویا اصلاً اهمیتی ندارد که بی بی سی لابلای خبرها، به آن اشاره کند! این سکوت (تا لحظه تایپ این سطور) مختص بی بی سی هم نیست، رسانه های دیگر بورژوازی فارسی زبان هم ساکت شدند. يك نفر در رسانه های رسمی يك حکومت حکم قتل يك انسان را صادر کرده است اما همه ایشان لالونی گرفته اند. بسیار جالب است در سایت بی بی سی اعتراض يك فسیل دیگر به مسئولان ارشاد حکومت منعکس شده است و خبر اول این سایت است. اعتراض آیت الله هم به این است که چرا کتابهای "اهل سنت" در مورد دختر پیامبر در نمایشگاه کتاب جمهوری اسلامی به نمایش گذاشته شده است اما يك کلام در مورد حکم قتل شاهین نجفی در این سایت نیست. آیا غیر از این که آیت اله بی بی سی هم به واقع ترانه نجفی را توهین به مقدسات میداند؟

بعد التحریر: بالاخره بی بی سی خبر فتوای قتل شاهین نجفی را روز پنجشنبه پخش کرد اما همانگونه که انتظار میرفت سعی کرد دامن آیت الله را از این حکم قتل مبرا کند. بی بی سی طبق سند و مدرک ثابت کرد فتوای آیت

الله مربوط به دو هفته قبل از پخش ترانه "نقی" میباشد، این حکم عمومیت دارد و ربطی به این ترانه بخصوص ندارد که البته میتواند شامل شاهین نجفی هم شود! بی بی سی در آخر تفسیرش از این خبر تاکید کرد اگر "مخالفت" ترانه (یعنی همانها که خواستار قتل شاهین نجفی هستند) سکوت میکردند این ترانه "مهجور" میماند اما الان مرکز توجه شده است! بعد در مصاحبه با شاهین نجفی سعی کرد به خواننده ترانه حالی کند که با "احساسات مردم" بازی کرده است، شاهین نجفی هم تاکید کرد من همین هستم که می خوانم و مینویسم. برای بی بی سی نفس حکم قتل بهیچوجه مهم نبود چرا که این را حق آیت الله ها میدانند که بعنوان مرجع تقلید تشخیص دهند که یکی کسی واجب القتل است یا خیر. و درست بهمین خاطر "حکم ارتداد" باید بعنوان يك جرم جنایی محسوب شود.

حکم قتل صادر کردن از سوی مقامات دینی همه مذاهب به درازای عمر ادیان است. در مورد اسلام که خود پیامبر این دین با دستور ترور و قتل کار خود را سامان داد. اما در همین رسانه ها از ادیان الهی چنان گفته میشود که گویا احکام نورانی لای پر قوه به مردم عرضه شده است! و ادیان الهی را منادی صلح و بشر دوستی معرفی میکنند و برای همین است که در مقابل حکم قتل شاهین نجفی سکوت کرده اند. گیرم هم که سکوت خود را بشکنند مطمئن باشید کسانی را به عنوان مفسر می آورند که البته حکم قتل صادر نمی کنند اما از مقدسات دینی حمایت خواهند

ادامه صفحه ۱۳

بازتاب هفته

بهار استان کبک در کانادا



ناصر اصغری

مطالبات مهمتری را در دستور جامعه گذاشته است.

یکی از سازماندهندگان این اعتراضات می گوید: "مردم به این نتیجه رسیده اند که حمله به دانشجویان و طرح بالا بردن شهریه ها، یک طرح جدا از حمله به سطح معیشت خود و کالا کردن آموزش و خدمات عمومی که الیستی کردن و دسترسی به تحصیلات فقط یک گوشه از آن است، نیست". اعتراضات اخیر که روز ۲۲ آوریل بیش از ۳۰۰ هزار نفر را فقط در شهر مونترآل به خیابانها کشاند، به "انقلاب آرام" (Quite revolution) ۱۹۶۰ تشبیه شده که اصلاحات عمیقی را، از جمله آوردن دولت رفاه، باز کردن راه برای متشکل شدن کارگران بسیار بیشتری، کوتاه کردن دست کلیسای کاتولیک از مدارس و غیره به همراه داشت. این اعتراضات، گرچه نقطه شروع دور اخیر آن همان ۲۲ مارس ۲۰۱۲ است، اما در ژانویه ۲۰۱۲، در مجامع عمومی تشکلهای دانشجویی، طرح دست زدن به اعتصابات عمومی در دستور قرار گرفت و با آراء بالائی تصویب می شد.

رسانه ها و مقامات دست راستی رسماً خواهان سرکوب اعتراضات اخیر شده اند. شهردار یکی از شهرهای حومه مونترآل، راننده ها را به زیر گرفتن معترضینی که راهبندان کرده اند، تشویق کرده است. روزنامه دست راستی Sun در مونترآل، رسماً خواهان دستگیری دسته جمعی معترضین شده است. اما تهدیدهای مختلف قانونی تا بحال کارآمد نبوده اند؛ چرا که اتحاد بین دانشجویان و معلمین و همچنین حمایت گسترده مردم، اینگونه تهدیدها را هم بی

اعتبار کرده است و هم انگشت اتهام را به سرکوبهای پلیس و ریاضتهای سیاسی و اقتصادی نشانه رفته اند. ۱۶۰۰ تن از اساتید دانشگاههای استان کبک، بیانیه ای را امضا کرده و در آن اقدامات دولت ایالتی تحت عنوان "اقدامات نئولیبرالی و نئولیبرالی کردن آموزش و پرورش" را محکوم کرده و از اعتراض دانشجویان حمایت کرده اند.

طرح افزایش شهریه ها از جانب وزیر آموزش و پرورش استان کبک، "انقلاب فرهنگی" نام گرفته است. دولت می خواهد با افزایش شهریه ها، ۲۵۰ میلیون دلار از جیب خالی دانشجویان بزند. در حالیکه دولت فدرال کانادا سالانه فقط ۴۹ میلیون دلار بابت حق پادشاهی به ملکه انگلیس می پردازد! هر هواپیمای جنگی F-35 ۴۸۲ میلیون دلار هزینه بر می دارد. ۵ بانک بزرگ کانادا ۱۶ میلیارد دلار مالیاتی را که قانون باید می پرداختند، نپرداخته اند. دولت ۳۰۵ میلیارد دلار کمک به کمپانی های بزرگ نفتی کرده است و همچنین هزینه سالانه ارتش کانادا ۴۹۰ میلیارد دلار است. علاوه بر این، هزینه سالانه تحصیلات رایگان در کانادا، کمتر از ۱ درصد بودجه دولتی خواهد بود. (شایان ذکر است که تمام هزینه هایی که ریخت و پاش می شود و ذکر آن بالاتر رفت، با قطع تدریجی بیمه ها و خدمات عمومی همراه بوده و در عین حال مالیات مردم زحمتکش و کم درآمد هم سال به سال بیشتر می شود و مالیات شرکتها بزرگ هم کمتر.)

اعتراضات خیابانی "دانشجویان کبک" امروز فقط دانشجویان و محصلین را در بر نمی گیرد و تنها محدود به مطالبات دانشجویان نیست؛ بلکه اعتراضی بسیار وسیعتر از دانشجویان است و نوک حمله خود را متوجه اقدامات و بودجه ریاضت اقتصادی دولت ایالتی کبک کرده است.

تشکلهای دانشجویی استان کبک دانشجویان دانشگاهها و کالجهای استان کبک، عمدتاً توسط سه انجمن دانشجویی بزرگ (FECQ, ASS, FEUQ) نمایندگی می شوند که دو انجمن از این سه انجمن، بر تاکتیکهای پارلمانی و لابی ایستی تأکید و تکیه دارند و سومی، ASS، انجمن چپی است که تکیه گاه آن اعتراضات خیابانی است. تعداد بیشتر دیگری از تشکلهای دانشجویی نیز فعال هستند که نسبت به سه تای اولی رقم بسیار کمتری از دانشجویان را نمایندگی می کنند. تشکل بزرگتر چپ ASS در این آخرین اعتراض به طرح بالا رفتن شهریه ها و با درس گرفتن از اعتراضات یکی دو دهه اخیر، با اتحادیه های کوچکتر دانشجویی که ذکر آنها رفت، وارد ائتلافی شدند که حدوداً ۱۰۰ هزار نفر از دانشجویان استان کبک را نمایندگی می کنند. این ائتلاف که اعتراضات دور اخیر را رهبری می کند، CLASSE نام دارد، که گرچه حدود ۵۰ درصد دانشجویان (اعضای آن) را در بر می گیرد، اما در واقع بخش عظیمی از دانشجویان عضو انجمنهای دیگر هم، حداقل در این اعتراض مشخص، به فراخوان اعتراض خیابانی آن پاسخ مثبت داده اند. (ساختار CLASSE یک ساختار شورائی است که دانشجویان در سطوح پائین تر و در مجامع عمومی تشکلهای کوچکتری مانند بخش و دپارتمان نماینده انتخاب می کنند و به سطوح بالاتری می فرستند که در آخر هر سطح از این شورا نماینده ای را به شورای بالاتر می فرستد و نهایتاً نماینده هایی به شورای مرکزی (کنگره) به نام CLASSE می فرستند.)

اعتراضات میلیتانت خیابانی و حمایت وسیع دانشجویان و توده مردم از این اعتراضات، تشکلهای نسبتاً لابیستی ای را هم به میدان آورده است. برای مثال FECQ فراخوانی صادر کرده بود

مبنی بر اینکه روز ۲۰ مارس جلوی پارلمان کبک دست به تحصن خواهد زد. همچنین وقتی که دولت ایالتی کبک - در دو مورد - با دودوزه بازی و آوردن بهانه های پوچ، برای شکاف انداختن بین صف متحد دانشجویان، می خواست CLASSE را از مذاکرات حذف کند، FECQ و FEUQ میز مذاکره را ترک کرده و یادآوری کردند که به تاکتیک موزیانه شکاف انداختن در بین تشکلهای دانشجویی تن نخواهند داد. در بحبوحه طرحهای ریاضتی لایه های مختلف دولتی در غرب و از جمله کانادا، آنچه که بیشتر از هر چیزی توجه جامعه و بخصوص دانشجویان استان کبک را بخود جلب کرده است، طرح مطالبه "تحصیلات رایگان حق همه شهروندان جامعه است" از جانب CLASSE است (مطالبه ای که در بحث حول و حوش "انقلاب آرام" جزء مهمی از مباحث بود). یک چنین مطالبه ای و پشتیبانی وسیع جامعه از آن، تشکلهای دیگر اجتماعی را هم وارد میدان کرده که خواهان خدمات عمومی رایگان برای همه و نه فقط برای پولدارها شده اند. برعکس جاهای دیگر کانادا، مطالبات رادیکال دانشجویان از طرف اتحادیه های کارگری هم مورد حمایت قرار گرفته و از اعضای خود خواسته اند که از مطالبات و اعتراضات دانشجویان حمایت وسیع بکنند.

آینده بهار کبک اعتراضات اخیر در استان کبک، به سیاق انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا، "بهار کبک" نام گرفته است. این عنوان بخاطر اهدافی است که مقاومت در برابر افزایش شهریه ها فقط گوشه بسیار کوچکی از آن را شامل می شود. بیانیه اساتید دانشگاههای استان کبک، که بیش از ۱۶۰۰ نفر از این اساتید آن را امضا کرده اند، در جایی می گوید: "جنبش دانشجویی و

ادامه صفحه ۱۴

درمورد تحرک اسلامیها در شهر اربیل کردستان عراق!

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

در چند روز گذشته تحرکات زیادی در شهر "هه ولیر" (اربیل) در کردستان عراق توسط جریانان اسلامی با حمله به تعدادی از مغازه های مشروب فروشی و بارها شروع شده است. تظاهرات اسلامی ها به بهانه انتشار مطلبی در شماره ۱۴ نشریه ای به اسم "چریه" که در آن مطلبی از "هه لمه ت گوران" درج شده، شروع شده است. اسلامی ها ادعا میکنند که در مطلب هلمت گوران که فردی لائیک است و در نوژ زندگی میکند، به خدا و سایر

مقدسات اسلامی ها توهین شده است.

مقامات حکومت محلی کردستان عراق نیز همگام با جریانان مرتجع اسلامی در چند کنفرانس مطبوعاتی به بسیج افکار عقب افتاده و ارتجاعی اسلامی علیه نویسنده این مطلب و آته نستها دست زده اند و مشغول باج دادن به جریانان مختلف اسلامی از جمله سلفیستها و انواع دارو دسته های وابسته به جمهوری اسلامی و عربستان سعودی شده اند. فرمان بستن نشریه "چریه" و دستگیری

سردبیر آنرا صادر کرده و هم اکنون تعدادی از مسئولین این نشریه را زندانی کرده اند و همراه با اسلامی های مرتجع فضای ناامنی را برای مردم اربیل ایجاد کرده اند.

این اقدامات و همگامی سران احزاب ناسیونالیست کرد و پارلمان آنها با اسلامی ها در شرایطی انجام میشود که در شهرهای کردستان عراق تعدادی از فعالین سیاسی و آزادیخواه در تدارک سال یاد و گرامیداشت "سردشت عثمان" روزنامه نگار انقلابی و آزادیخواه هستند که

سال گذشته بدست تعدادی مزدور ترور شده بود. در مورد ترور این روزنامه نگار انگشت اتهام به سوی ارگانهای امنیتی حاکمان ناسیونالیست کردستان است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران قمه کشی اسلامی ها و اقدامات سرکوبگرانه دولت محلی کردستان عراق و موضع گیری های ارتجاعی احزاب ناسیونالیست اسلامی برای سرکوب و محدود کردن آزادی بیان را قویا محکوم میکند و خواهان آزادی انتشار نشریه "چریه" و

آزادی فوری سردبیر و کارکنان آن است. مردم کردستان عراق بویژه زنان که با تحرکات اسلامیها اولین قربانیان آنها هستند باید هوشیارانه در مقابل قمه کشی اسلامیها و پروپاگاندا پارلمان و حکومت محلی بایستند و قاطعانه از آزادی نقد و آزادی بیان دفاع کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران
۹ مه ۲۰۱۲
۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۱

در دفاع از مهاجرین افغانی علیه سیاستهای فاشیستی جمهوری اسلامی

معاون استاندار رژیم در مازندران؛ ممنوعیت حضور اتباع افغانستان در این استان طبق مصوبه وزارت کشور است و از سال ۸۶ حضور در ۱۰ شهر ساحلی مازندران ممنوع بوده است. در سال گذشته، بیش از سه هزار و ۴۰ نفر از اتباع افغانستان در استان مازندران بازداشت و به کشورشان انتقال داده شده اند. حضور افغان ها برای مازندران يك تهدید به شمار می رود و خدمات رسانی به افغانی ها جرم است. بخشدار مرکزی رژیم در نوشهر؛ حضور اتباع افغانستان در بخش مرکزی نوشهر ممنوع است. نوشهر شهری توریستی است و وجود افغانه در این حوزه به شدت ممنوع است. شورای تامین رژیم در مازندران؛

مازندران منطقه ممنوع برای حضور اتباع مجاز و غیرمجاز افغانی است. این قانون تمام افغان های مجرد، متاهل، دارای مجوز یا بی مجوز و حتی دارای گذرنامه را شامل می شود.

روز ۱۳ فروردین نیز ورود افغانی ها به پارکی در اصفهان ممنوع اعلام شد که با اعتراض جوانان مواجه شد.

همین حد از خبرهای اعلام شده از طرف مقامات جمهوری اسلامی در هفته های گذشته علیه مهاجرین افغانی، ماهیت و سیاست های فاشیستی جمهوری اسلامی را بطور عریانی نشان میدهد. کمتر دولتی در دهه های گذشته اینچنین با صراحت دست به اعمال فاشیستی زده است.

جمهوری اسلامی در تمام طول حاکمیت خود با مهاجرین افغانستانی بر همین اساس برخورد کرده و ساده ترین حقوق انسانی آنها را پایمال کرده است. جمهوری اسلامی حتی نسبت به کودکان افغانی و حتی آنها که در ایران بدنیا آمده اند و تمام عمرشان در این کشور کار و زندگی کرده اند نیز رحم نکرده است. ابعاد این جنایات، که با توهین و تهمت و تحقیر مداوم همراه است و با توسل به ناسیونالیسم ایرانی صورت میگیرد، واقعا قابل توصیف نیست.

حزب کمونیست کارگری سیاست ضد انسانی و نفرت انگیز حکومت فاشیست اسلامی و سکوت دولتها و نهادهای بین المللی درمورد رفتار

جمهوری اسلامی با مهاجرین افغانی را قویا محکوم میکند. ما همه کارگران و مردم ایران را فرامیخوانیم که همبستگی خود را با پناهنگان و مهاجرین افغانستانی اعلام کنند و متحد و یکپارچه هر نوع سیاست تفرقه و جداسازی را محکوم کنند. باید از این اصل که همه ساکنین کشور از حقوق و امکانات برابر برخوردار شوند وسیعا دفاع کرد. جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی باید هدف خود را برپایی جامعه ای آزاد و بری از همه تبعیضات از جمله تبعیض علیه مردم منتسب به ملیتهای مختلف قرار دهد و برابری کامل همه ساکنین کشور مستقل از نژاد و جنسیت و ملیت و قومیت را به پرچم انقلاب علیه این حکومت تبدیل کند.

رفتار جمهوری اسلامی با زنان و سرکوب بر اساس جنسیت، سرکوب معتقدین به مذاهب دیگر، کمونیست کشی ها و سرکوب مردم کردستان و غیره جنبه های دیگری از فاشیسم حکومت اسلامی است. این يك حکومت واقعی اسلامی است و جز این نمیتواند باشد. این حکومت را فقط و فقط باید انداخت تا هفتاد میلیون مردم ساکن ایران و کل بشریت از آن خلاص شوند.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد انقلاب انسانی برای يك
جامعه انسانی
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۱
۸ مه ۲۰۱۲

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

بن بست جهانی ریاضت کشی: از سارکوزی تا احمدی نژاد!



مصطفی صابر

از صفحه ۱

۹۹ درصدی ها در برابر یک درصدی ها تشدید خواهد شد. جامعه بین چپ و راست شدیداً قطبی خواهد شد. فقط فرانسه نیست که چنین است. این همانند که نتایج انتخابات اخیر فرانسه فی الحال اروپای بحران زده و بخصوص مرکل متحد سارکوزی را به وحشت انداخته است. در یونان وضع حتی بدتر است. اگر می‌خواهید مصداقی برای این حرف مارکس پیدا کنید که "دوره های انقلابی فرا میرسد که نیروهای مولد علیه مناسبات تولید دست به طغیان بر میدارند"، به یونان

نگاه کنید.

در اسپانیا جانی که نیمه از جوانان بیکارند بنظر میرسد وضع از همین قرار است و موقعیتی بین فرانسه و یونان دارد. انتخابات اخیر ایتالیا و موفقیت های چپ گرایان نیز نشان داد که آنجا هم کم و بیش حکایت فرانسه تکرار خواهد شد. در انگلیس نیز که بورژوازی از زبان ملکه اش برای ریاضت کشی بیشتر قانون طراحی میکند وضع کمابیش همین است. در اسرائیل هم میتوان فشار تظاهرات های بی سابقه چند ماه پیش برای "عدالت اجتماعی" را در کش و قوس های احزاب سنتی برای تشکیل دولت دید. در مصر گرچه انقلاب "نان و کرامت" در خیابان نیست اما چشم اندازی هم برای "ثبات" و از سرگیری کسب و کار معمول بورژوازی پیدا نیست. در سوریه جنایت های هرروزه اسد و چشم فرو بستن بورژوازی جهانی بر آن مردم انقلابی را از میدان بدر نمی کند. در روسیه وقتی پوتین در مراسم مسخره تحلیف خود ژست تزار میگردد و "امنیت" را مهمترین

مساله دولتش اعلام میکند در واقع دارد از پیش علیه هرگونه مخالفتی با مافیای حاکم خط و نشان میکشد. در آمریکا نیز کار "جنبش اشغال" و ۹۹ درصدی ها "نه هنوز است تمام". باید دید تناقضات حاد جامعه آمریکا تحت تاثیر بحران اقتصادی و سیاست های راستی که اوپاما دنبال کرده است خود را چگونه نشان خواهد داد... خلاصه کلام، وضعیت جدیدی که تحت تاثیر بحران اقتصادی ۲۰۰۹ و همینطور موج انقلابات ایران و تونس و مصر و جنبش های اعتراضی و طغیانی در غرب (از شورشهای هیچ بودگان انگلیس تا تظاهرات اسپانیا و تا جنبش اشغال در آمریکا و غیره) برقرار شده همچنان مهر خود را بر تحولات میکوبد. شکست سارکوزی و سیاست های راست او تنها علامتی است بر اینکه که باید انتظار موج جدیدی از برآمد توده ای را داشت که برای نجات زندگی خود از دست سرمایه داری و تناقضاتش به میدان می آیند. این انتظار را باید بیش از همه جا در ایران داشت. چرا که ایران بواسطه انقلاب ۵۷ در واقع به

پیشواز شرایطی رفت که بعداً در جهان برقرار شد. بیش از ۳۰ سال است که جمهوری اسلامی افراطی ترین و سرکوبگرانه ترین سیاست های راست را در پیش گرفته ولی در حالت بحران دائم بسر میبرد و چشم اندازی برای برون رفت از این وضعیت نه از سوی رژیم و نه از سوی اپوزیسیون بورژوازی آن وجود ندارد. بقول حمید تقوایی در سخنرانی کنگره هشت حزب: بحران جمهوری اسلامی امروز جهانی شده است و بحران جهانی بورژوازی امروز خانگی شده است. شکست سیاست های راست و مبتنی بر ریاضت کشی اقتصادی خود تیر خلاصی است بر طرح یارانه های احمدی نژاد که بر مبنای همان الگو پیش گرفته شد و حمایت اصولی کل اپوزیسیون بورژوازی (از اصلاح طلب تا جمهوریخواه و تا سلطنت طلب) را در پی داشت. طرحی که فی الحال به بن بست رسیده و همین امروز بین مجلس و دولت دعواست که با آن چه کنند. حالا اگر سیاست های راست و ریاضت کشی در خود غرب شکست میخورد چگونه میتوان انتظار داشت در ایران جمهوری اسلامی سبب "رونق" و "شکوفایی" اقتصادی

شود؟ چنین است که شکست سارکوزی و سیاست هایش در فرانسه نه فقط طرح ریاضت کشی احمدی نژادی را بیش از پیش زیر سوال میبرد، بلکه اپوزیسیون بورژوازی آنرا هم که همه امیدشان را به حمایت غرب دوخته اند بی افق تر خواهد کرد.

نتیجه اینکه جامعه ایران باید جدی تر از همیشه به آلترناتیوی توجه کند که از چهارچوب سرمایه داری و حفظ منافع بانکها و استیلای بازار و سود فراتر میبرد. آلترناتیوی که بجای ریاضت کشی اقتصادی، رفاه و سعادت انسانها را در صدر کار خود قرار میدهد. نیروی مادی ساختن چنین آلترناتیوی نه فقط در دل مبارزات هر روزه و اعتصابات گسترده کارگران و مردم زحمتکش حی و حاضر است بلکه از جنبش و حزب سیاسی و برنامه روشن خود نیز برخوردار است. میتوان و باید جواب بن بست بورژوازی در ایران را با سرنوشتی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد و سوسیالیستی داد. اگر بحران جمهوری اسلامی امروز جهانی شده است، راه حل سوسیالیستی این بحران هم طبعاً جهانی خواهد شد.*

انقلاب مردم بر علیه رژیم اسد ادامه دارد!

از صفحه ۴

قرا دارد، همزمان با ادامه سرکوبهای هفته گذشته مضحکه انتخابات حکومتی اش را راه انداخت. رژیم با این مانور در نظر دارد چهره ای دیگر از خود نشان داده و از آن به عنوان حربه ای برای "کسب مشروعیت" استفاده نماید. انتخابات حکومتی که در آن فقط حزب حاکم و دار و دسته های وابسته رژیم شرکت کردند. این انتخابات از طرف مردم بایکوت شد. همزمان با برگزاری انتخابات حکومتی در دهها شهر این کشور تظاهراتهای گسترده مردمی برگزار گردید. خواست اصلی این تظاهراتها سرنوشتی رژیم اسد بود.

اواسط هفته ای که گذشت اعلام شد که از آغاز انقلاب مردم سوریه بر علیه رژیم اسد از ماه فوریه سال ۲۰۱۱ تا به امروز بیش از ۹ هزار کشته، ۲۰ هزار دستگیر و دهها هزار نفر زخمی شده اند. در میان کشته شدگان بیش از هزار کودک می باشند.

بعد از گذشت بیش از یک سال از آغاز انقلاب مردم سوریه، علیرغم نهایت وحشیگریها و سرکوبهای رژیم، انقلاب مردم با قدرت ادامه دارد. بیش از نیمی از شهرها و مناطق کشور عملاً در دست مردم و نیروهای مخالف می باشد و عملاً قدرت دوگانه برقرار شده است. فرار سربازان و نظامیان و پیوستن به انقلاب مردم ادامه

توان را دارد که از این وضعیت عبور کرده و ضربه نهایی را بر پیکر رژیم وارد آورد. با وجود زد و بندهایی که پنهان از مردم برای باقی نگاه داشتن رژیم بشار اسد، در جریان است. انقلاب مردم می تواند به عمر این رژیم پایان دهد. رژیم اسد باید گورش را گم نماید. این حرف اول و آخر انقلاب مردم می باشد.*

دارد. از نظر جهانی و منطقه ای رژیم اسد کاملاً ایزوله شده است. تن دادن رژیم به آتش بس از سر ضعف و درماندگی و در نتیجه فشار انقلاب مردم بود. سیاست رژیم خرید و وقت و فرصت برای تجدید قوایش در برابر تعرض قدرتمند انقلاب مردم، عملاً با شکست روبرو گردیده است. انقلاب مردم بدون شک آن قدرت و

کتاب سرمایه (کا پی تال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا اینل ها تماس بگیرید

در آمریکا و کانادا با:

یاقک زنده (کانادا - آمریکا): تلفن: ۱-۴۱۶ ۷۵۹ ۳۳۶۹
فکس: ۱-۴۱۶ ۷۵۱ ۷۱۳۱
ایمیل: babakyazdi@yahoo.com

زری اصلی (غرب کانادا - ونکوور): تلفن: ۱-۶۰۴ ۷۷۷ ۸۸۶۶
ایمیل: zariasti@yahoo.ca

در اروپا با:

انتشارات نسیم: تلفن: ۰۰۳۹ ۳۹ ۳۹ ۱۷۰
ایمیل: nasim_info@yahoo.se

جلیل جلیلی (انگلستان): تلفن: ۰۰۴۴ ۷۹۵۰ ۹۲ ۴۴ ۴۴
ایمیل: jallilik@yahoo.com

مهن کوئا (آلمان): تلفن: ۰۰۴۹ ۷۳۲۵۰ ۵۲۹
ایمیل: mahinkusha@t-online.de

کارل مارکس

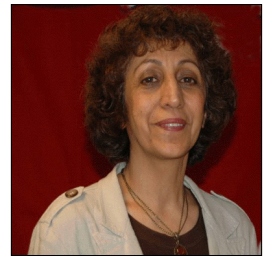
سرمایه

(کا پی تال)

جلد اول

ترجمه جمشید هادیان

"سونامی بیکاری" و جنگ طبقاتی



شلا دانشگر

از صفحه ۱

میدهد. در این گزارش با اشاره به تبعات اجرای طرح هدفمند کردن یارانه هایشان، از رویرو شدن واحدهای مختلف کارگری با خطر وقوع سونامی بیکاری سخن میگوید.

- حسین راغفر از کارشناسان اقتصادی حکومت در سایت ایلنا از افزایش بیسابقه نرخ بیکاری در سال جاری در مقایسه با ۳۰ سال گذشته سخن میگوید. او در سخنانش از بحرانی بودن بیش از ۲۷۰۰ کارخانه و به ورشکستگی رسیدن و بیکارسازی کارگران در ۳۰۰ کارخانه طی یکسال گذشته خبر میدهد. او در ادامه سخنانش با اشاره به بیکاری و اخراج صدها هزار کارگر طی یک سال گذشته اذعان میدارد که در صورت تصویب بودجه فاز دوم هدفمندی و افزایش پرداخت یارانه ها، اکثر واحدهای تولیدی ورشکست و هزاران کارگر دیگر بیکار خواهند شد.

- رئیس "اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی سراسر کشور" از اخراج بیش از ۱۲ درصد کارگران پیمانی از واحدهای بزرگ تولیدی در سال ۹۰ خبر میدهد. او نیز در سخنانش از بحرانی بودن بیش از ۲۷۰۰ کارخانه و به ورشکستگی رسیدن و در نتیجه بیکارسازی

همان را سازمان داد، هماهنگ و سراسری کرد، و با برنامه روشنی به پیش برد. راه دیگری برای کارگران جز مبارزه ای قاطع علیه این سناریوی تاریکی که مقابل آنها قرار داده اند باقی نمانده است.

در همین ماهها و هفته های اخیر و بویژه از بعد از پایان گرفتن تعطیلات نوروزی و رویرو شدن کارگران با درهای بسته کارخانجات، موج گسترده ای از اعتراضات کارگری برپا شده است. در همین مدت گزارشهای از نزدیک به صد حرکت و اعتراض کارگری حکایت میکنند. تجمع اعتراضی ۲۰۰۰ کارگری بر کشت و صنعت کارون شوشتر، تجمع ۲۵۰۰ کارگر اخراجی در مقابل اداره کار شهرستان شاهین شهر اصفهان، تجمع اعتراضی کارگران شرکتهای اقماری شرکت ذوب آهن مقابل استانداری اصفهان، تجمع خانواده های کارگران نساجی مازندران مقابل استانداری و تجمع خانواده های کارگران شهرداری منطقه ۱۰ در خیابان بهنود از جمله سرتیتر های خبری مهم و شاخص در دو هفته اخیر است. در این مدت مرکزی چون نساجی مازندران، لوله سازی اهواز، صنایع فلزی، نساجی های قزوین، شهاب خودرو، به کانون های داغ اعتراضی تبدیل شده اند و از جمله کارگران فرنخ، مه نخ و ناز نخ قزوین برای چهل و یکمین بار تجمع کرده اند. کارگران قرار و مدارهای تجمعات اعتراضی شان را در مقابل مراکز قدرت دولتی، از جمله مجلس اسلامی، دفتر احمدی نژاد، وزارت صنایع، تامین اجتماعی و ادارات کار، فرمانداری ها و استانداری ها و در مقابل دفتر مقامات کارخانجات گذاشته و با تجمعاتشان، با بستن جاده و با پلاکاردهایشان، در برابر این تهاجمات ایستاده و رژیم را به

این وضعیت، یعنی بیکاری هایی که ابعاد آن به چندین میلیون میرسد و با احتساب چشم اندازی که تصویر میکنند به بالای ده میلیون نیز خواهد رسید، بر این تاکید دارد که يك مساله اصلی هر فعال و رهبر کارگری باید مقابله با این وضعیت باشد. و وقتی به فضای اعتراضات کارگری نگاه میکنیم نشان میدهد که يك جنگ طبقاتی علیه بیکاری و فقر و گرانی فی الحال در جریان است و باید

چالش میکشند. بیانیه های تشکلهای کارگری نیز اشاره به همین وضعیت دارد. از جمله يك محور اعتراض بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران در دفاع از زندگی و معیشت کارگران، با ۵ هزار امضا که به مناسبت اول مه روز جهانی کارگر انتشار یافت، همین موضوع است.

مجموعه این خبر ها به روشنی نشانگر حال و هوای جنبش کارگری و فضای اعتراضی کل جامعه است. با پیوستن بیشتر خانواده های کارگران به این اعتراضات، این اعتراضات ابعاد اجتماعی تری بخود گرفته است. بطوریکه در نمونه نساجی مازندران به گزارش خبرگزاری های دولتی خبر تجمع کارگران با خانواده هایشان انعکاس وسیعی در شهر ساری پیدا کرد. نگاهی به مجموعه این خبرها، راهکارهای روشنی را در تقابل با تهاجمات هر روزه دولت و از جمله بیکارسازی ها، نشان میدهد. نکته اصلی دیدن اوضاع سیاسی متحول امروز و جامعه ایست که از اعتراض میجوشد. وقتی دهها کارخانه در يك شهر در اعتراض مبارزه است، مبارزه همزمان این کارخانجات يك شکل عملی و قدرتمند اعتراضات کارگری خواهد بود. در کنار آن خانواده های کارگری سرپلی هستند که مبارزات کارگران را به جامعه وصل میکنند و به آن ابعادی اجتماعی میدهند. دیدن این نیرو و به میدان آوردن این نیرو يك جنبه مهم اجتماعی شدن و گسترش اعتراضات کارگری در سطحی سراسری است. با به میدان آوردن این نیرو میتوان کل جامعه و مردم يك شهر را از حرکت و اعتراض خود مطلع کرد، همانطور که در شهر ساری در هفته گذشته شاهدش بودیم. نکته اصلی دیدن فضای

انفجاری در محیط های کار و اتکا به نیروی عظیمی است که میتوان برای مبارزات خود بسیج کرد. با شرکت فعال خانواده های کارگری و جلب حمایت مردم است که میتوان با اعتراض خود شهری را به تکان در آورد. خصوصا اکنون که مراکز قدرت رژیم به مراکز تجمعات کارگران از کارخانجات مختلف تبدیل شده است، میتوان در ارتباطی هماهنگ میان کارخانجات مختلف به تدارک اعتراضات سراسری رفت و این مراکز را به محل تجمعات منظم و تصمیم گیری های جمعی خود تبدیل کرد. همانطور که بازنشستگان در تهران نیز در بیانیه ای اعلام داشتند که چنین خواهند کرد. مجامع عمومی ای که در آن خانواده های کارگران به عنوان کسانی که مستقیما در اعتراضات و خواستهای کارگران شریکند، نقش مهم و تعیین کننده ای دارند. در يك کلام تا آنجا که به مساله بیکاری و بیکارسازیها مربوط میشود اوضاع خطیر است. و توده وسیعی از کارگران درگیر جدالند. فعالین و رهبران کارگری میتوانند با هوشیاری تمام تلاش کنند این مبارزه را سراسری کنند، به آن افق روشنی بدهند، و تلاش کنند که سد محکمی در مقابل تعرض سرمایه داران و حکومت اسلامی شان ایجاد نمایند.

حقیقت اینست که بحران اقتصادی در ایران با اعمال تحریمهای بین المللی بسیار عمیق تر شده است و شیرازه اقتصاد از هم گسیخته شده است. نباید اجازه دهیم که بار این بحران را بر دوش کارگران بیندازند. برعکس میتوانیم تلاش کنیم که خشم توده های وسیع کارگران به فقر و بیکاری، جنبش سراسری برای خلاص شدن از شر مفتخوران حاکم را قدرتمند تر بمیدان آورد.*

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

سخنرانی حسن حسین زاده در تجمع مرکزی اتحادیه کارگران آگ متال در ورتسبورگ

اطلاعیه شماره ۳۱

روز جمعه ۴ مه به فراخوان اتحادیه فلز شهر ورتسبورگ آلمان (I.G.Metal) تظاهراتی برای افزایش دستمزدها و دفاع از حقوق و مزایای اجتماعی برگزار شد که میتینگ مرکزی آن در محل برپایی چادر متحصنین واقع در مرکز شهر بود.

سخنران اصلی این مراسم ضمن اعلام خبر تحصن پناهجویان

ایرانی، حمایت خود را از خواستهای پناهجویان اعلام کرد و سپس از حسن حسین زاده سخنگوی پناهجویان دعوت کرد که از تریبون برای شرکت کنندگان سخنرانی کند.

حسن حسین زاده اعلام کرد که از طرف فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و به عنوان سخنگوی پناهجویان با مردم صحبت می کند. وی قبل از هرچیز حمایت متحصنین از خواست

کارگران تظاهر کننده را اعلام کرد که با کف زدن کارگران پاسخ گرفت. سپس در باره وضعیت کارگران در ایران و اینکه برپایی هر نوع تجمع و اعتراض در ایران غیرقانونی است و با سرکوب مواجه میشود، صحبت کرد و در ادامه آخرین وضعیت پناهجویان متحصن و خواستهای آنان را برای جمعیت توضیح داد و از اتحادیه متال و کارگران شرکت کننده در تظاهرات خواست که از مبارزه پناهجویان حمایت کنند. حسن

حسین زاده در خاتمه تاکید کرد که اعتراض و تحصن پناهجویان تا رسیدن به خواستههایشان و با اتکا به حمایت گرم و صمیمانه مردم ادامه خواهد داشت.

پس از سخنرانی حسن حسین زاده، سخنران بعدی از اتحادیه متال ضمن اعلام حمایت خود از خواستهای پناهجویان اعلام کرد که همبستگی جهانی است و این امر حکم می کند که از مبارزه پناهجویان در این شهر حمایت

شود که با کف زدنهای شرکت کنندگان از آن استقبال شد.

لازم به توضیح است که خبرگزاری رسمی دولت آلمان، دی پی آ، رادیوی سراسری استان بایرن، رادیو بایرن، روزنامه ماین پست و روزنامه ای پی دی مصاحبه هایی با حسن حسین زاده در باره آخرین وضعیت تحصن انجام دادند.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد آلمان
۴ مه ۲۰۱۲

سخنگوی پناهندگان در ورتسبورگ نیز اجازه اقامت گرفت! ۸ نفر دیگر از پناهجویان استان بایرن فبولی گرفتند!

اطلاعیه شماره ۳۲

روز ۷ مه دادگاه استان بایرن اعلام کرد که حسن حسین زاده سخنگوی پناهجویان متحصن در ورتسبورگ نیز اجازه اقامت گرفته است. با اعلام این خبر در محل تحصن موجی از شادی برپا شد. دهها نفر از مردمی که در طول نزدیک به دو ماه گذشته شاهد فعالیتهای وی بودند، با دسته های گل به محل تحصن آمده، تبریک گفته و او را در آغوش گرفتند.

همچنین در هفته های گذشته و بدنبال تحصن پناهجویان در ورتسبورگ، از ۱۹ مارس تاکنون، جمعا ۸ پناهجوی دیگر در این منطقه نیز فبولی گرفته اند که با احتساب فبولی ۵

پناهجوی متحصن، در مجموع جواب فبولی ۱۳ نفر بعد از سالها بلاتکلیفی داده شده است. این دستاورد مسقما نتیجه مبارزه شکوهمندی است که در ورتسبورگ جریان دارد.

دولت بایرن که سالهای طولانی است پناهجویان را در شرایط بسیار اسفناکی قرار داده و سیاست ضد پناهندگی کثیفی را به پیش میبرد، میداند که افکار عمومی در ورتسبورگ تماما به نفع پناهجویان است. خبر دارد که مراسم اول مه امسال در این شهر از باشکوه ترین اول مه های این شهر بوده و سخنگویان اتحادیه د گ ب از خواست های پناهجویان حمایت کردند و وضعیت هایم های این منطقه را شرم آور خواندند. خبر دارد که اتحادیه متال سه روز پس از اول مه

میتینگ پایانی اش را همانند مراسم اول مه، در کنار چادر متحصنین برگزار کرد و ضمن حمایت از خواست های پناهجویان از سخنگوی آنها دعوت کرد سخنرانی کند. خبر دارد که مردم با چه انسانیتی به نفع پناهجویان امضا جمع میکنند، برایشان کیک و شیرینی میاورند با هر قبول آنها را گلپاران میکنند، و در ابعادی توده ای در تظاهرات های آنها شرکت میکنند. و بالاخره خبر دارد که تعدادی از احزاب پارلمانی رسما از پناهجویان متحصن حمایت کرده اند و این مبارزه در سراسر آلمان انعکاس یافته است. بیخود نیست که در برمن نیز اعلام کرده اند که بزودی هایم های پناهندگی را جمع آوری میکنند و پناهجویان را در مسکن اقامت میدهند.

آنچه برای ما و همه پناهجویان حائز اهمیت است این است که تحصن پناهجویان در ورتسبورگ راه و روش جدیدی نشان داد و شروع دور جدیدی از مبارزه برای حقوق پناهجویان خواهد بود. ورتسبورگ نمونه موفقی از مبارزه بود که روحیه دست زدن به یک مبارزه گسترده با حمایت مردم و پیشاپیش آنها جنبش ۹۹ درصدی را در میان پناهندگان در سراسر آلمان دامن زده است.

همبستگی - فدراسیون سراسری

پناهندگان ایرانی واحد آلمان ضمن تبریک صمیمانه به حسن حسین زاده سخنگوی پناهجویان و همه پناهجویانی که در طول این مبارزه اجازه اقامت گرفته اند، همه پناهجویان در سراسر آلمان را فرا می خواند که با الگوی ورتسبورگ دست به کار مبارزه علیه سیاستهای ضد پناهندگی دولت آلمان شوند. فدراسیون صمیمانه در کنار آنها خواهد بود.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد آلمان
۸ می ۲۰۱۲

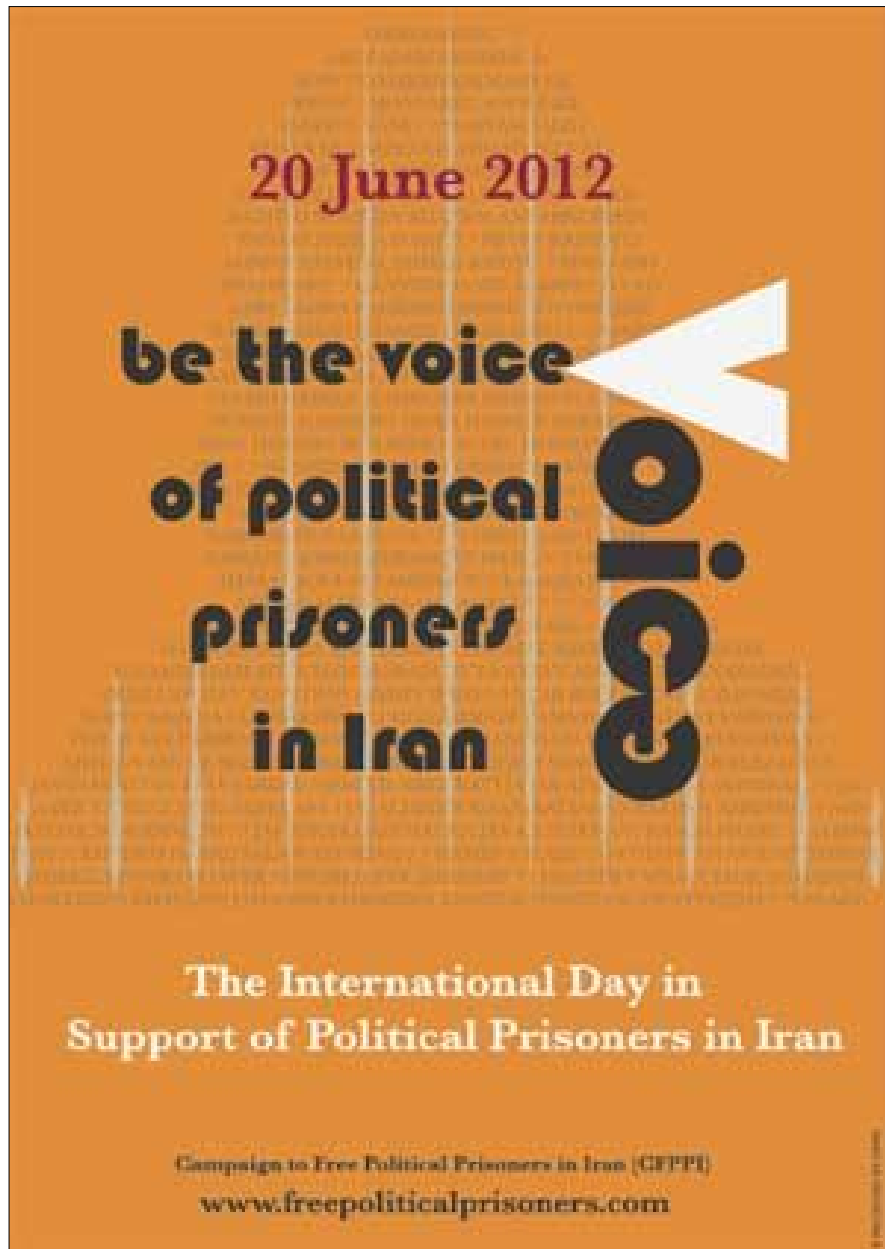
International Committee Against Stoning
(<http://stopstoningnow.com>)
International Committee Against Execution
(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

زنده باد سوسیالیسم!

در ۲۰ ژوئن امسال یکبار دیگر اعلام می کنیم: زندانیان سیاسی و عقیدتی باید بلادرنگ و بدون قید و شرط آزاد گردند؛ اعدامها باید فوراً متوقف شوند



وضعیت ادامه دارد.

جمهوری اسلامی در وحشت از خیزش مجدد مردم، مردمی که بخاطر فقر، گرانی، بیکاری، سرکوب و بیحقوقی و تحقیر کارد به استخوانشان رسیده است، به سرکوب و جنایت بیشتری روی آورده است. و اما اعدام فعالین سیاسی، دستگیری های هر روزه و محکومیت های سنگین فعالین سیاسی، فعالین کارگری، دانشجویان معترض، فعالین دفاع از حقوق زنان و وکلای زندانیان، بیشتر از ۵۰ اعدام در هفته های اول سال ۲۰۱۲ میلادی یعنی هر ۴ ساعت یک اعدام، نشان از قدرت و اقتدار حاکمیت آنان نبوده و نیست، بلکه برعکس دقیقاً اثبات ضعف، ناتوانی، در هم ریختگی سیاسی و روانی رژیم است که در سراسر سقوط و اضمحلال قرار گرفته است و این جنایات توجیهی ندارد جز وحشت مافیای قدرت از طوفانی که در راه است.

خیزش میلیونی مردم ایران در سال ۲۰۰۹ بر علیه جمهوری اسلامی و به دنبال آن سال طوفانی ۲۰۱۱ بعنوان سرآغاز موج جهانی انقلابات قرن بیست برای آزادی، جنبش زنده و مداومی که یکسر آن میدان التحریر قاهره بر علیه دیکتاتورهای مادام العمر و سر دیگر آن "اشغال وال استریت" نیویورک و ابراز وجود قدرتمند ۹۹ درصدیها بر علیه نظم ظالمانه موجود جهانی، حقانیت و عزم راسخ ما را در این نبرد بی امان تا آزادی تمام زندانیان سیاسی و سرنگونی رژیم جهل و جنایت نشان می دهد.

سال گذشته روز بیست ژوئن ۲۰۱۱ و به فراخوان کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و حمایت احزاب و نهاد های متعدد دیگر در

بیستم ژوئن (سی خرداد) روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران، نسل کشی و هولوکاست اسلامی است. در عین حال این روز سالگرد خیزش عظیم مردم ایران علیه حکومت جنایت و کشتار اسلامی و سالگرد به خون غلطیدن نداها و سهراب ها است.

کمیته مبارزه برای زندانیان سیاسی در ایران در حالی به استقبال ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲ روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران می رود که رژیم جمهوری اسلامی در ایران مستاصل تر از همیشه به جنایات خود با حدت و شدت بیشتری ادامه می دهد. از زمان روی کار آمدن رژیم اسلامی در سال ۱۳۵۷ مردم ایران از حقوق انسانی خود از جمله حق آزادی بیان محروم بوده اند. هزاران نفر در زندان بسر برده و تحت شکنجه قرار گرفته اند.

رژیم اسلامی هیچ مخالفتی را برسمیت نشناخته و کوچکترین اعتراض مردم به حاکمیت را با زندان و اعدام جواب داده است. در طول این ۳۳ سال در زندانها مادرانی بوده اند که کودکانشان را در زندان بدینا آورده اند، مادران و پدرانی بوده اند که فرزندانشان جلو چشمانشان شکنجه شده اند، کودکان خردسالی بوده اند که روز ها و شبها را در آغوش مادر شکنجه شده شان در زندان سپری کرده اند. تعداد زیادی از زندانیان سیاسی ماه ها از دیدن خانواده شان محروم بوده اند و ماهها و سالها در سلولهای انفرادی نگه داشته شده اند. در این زندانها صدها زندانی سیاسی جان خود را زیر شکنجه از دست داده اند بدون اینکه فرصت این را داشته باشند که به دنیا بگویند چه بر سرشان آوردند. بیش از ۳ دهه است این

زندانیان سیاسی دعوت می کنیم که با صدور اطلاعیه و بکار گیری امکانات و ابتکاراتشان در برگزاری روز بیستم ژوئن، روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی شرکت کنند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
مارس ۲۰۱۰ برابر با
فروردین ماه ۱۳۹۱

سیاسی از همه مدافعین حقوق انسانی يك بار دیگر دعوت می کند که در روز بیست ژوئن ۲۰۱۲ در مراکز شهرها و در مقابل کنسولگریها و سفارتخانه های حکومت اسلامی میتینگ های اعتراضی سازمان داده و از زندانیان سیاسی در ایران فعالان حمایت به عمل آورند. ما از تمامی تشکلهای مدافع آزادی

بیش از پنجاه شهر جهان میتینگها و حرکات اعتراضی پر قدرتی سازمان داده شد. بیابید امسال هم دست در دست هم، این حرکت را هر چه بیشتر گسترش دهیم. بیابید تا در ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲ با تمام قوا به دفاع از زندانیان سیاسی برخیزیم و خواهان آزادی فوری آنها و پایان دادن به اعدام و شکنجه شویم. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان

سه شنبه ۱۹ اردیبهشت سالروز اعدام فرزاد کمانگر و چهار نفر از همزمان اوست.



با برگزاری مراسم و تجمعات اعتراضی یاد فرزاد کمانگر و همه فعالین سیاسی اعدام شده را گرامی می‌داریم و به اعدامهای گسترده در ایران اعتراض می‌کنیم!

فرزاد کمانگر معلم آزاده، انساندوست و فعال مدافع حقوق انسانی بود که به همراه شیرین علم‌هولی، فرهاد وکیلی، علی حیدریان و مهدی اسلامیان در زندان اوین در سحرگاه ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ به دست جلادان حکومت اسلامی اعدام شد.

حکومت اسلامی هنوز جرات نکرده محل دفن این زندانیان سیاسی را به خانواده‌های آنها اعلام کند، چرا که از تبدیل شدن محل دفن این زندانیان سیاسی، به میعادگاه معترضین به اعدام و مخالفین قتل عمد دولتی و هزاران نفر آزادیخواه و طرفدار کمانگرها و علم‌هولی‌ها می‌ترسد.

اعتراض به حکم اعدام فرزاد کمانگر و چهار همزمان او در سطح بین‌المللی بسیار گسترده بود و نهادها و سازمانهای متعددی به این حکم جنایتکارانه اعتراض کردند. علیرغم این اعتراضات، فرزاد کمانگر را در حالیکه در مقابل جلادان سرخم نکرده و شجاعانه از انسانیت و حقوق انسانی مردم دفاع میکرد، به همراه فرهاد وکیلی، شیرین علم‌هولی، علی حیدریان و مهدی اسلامیان پای چوبه دار بردند.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام از همگان دعوت میکند، با برگزاری مراسم، تجمع و برنامه‌های گرامیداشت در هر کجایی که امکانش را دارند، یاد فرزاد کمانگر و همه اعدام شدگان در طول سی و سه سال حکومت جنایت اسلامی را گرامی بدارند.

ماشین جنایت این حکومت هر

لحظه جان تعداد دیگری را میگیرد. هم اکنون نگرانی از اجرای حکم ۹ زندانی که از دو روز قبل از زندان قزل حصار برای اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی برده شده‌اند، وجود دارد. سه برادر به اسامی بهرام نبوی، بهمن نبوی، بهزاد نبوی، و مجید دوستی، رضا گلشن، مجید مام‌دهی، بابک برآورد، علی‌اعلایی، ابوالفضل نوروزی، همگی در فاصله سنی بین ۲۶ تا ۳۱ سال هستند که هر لحظه ممکنست اعدام شوند.

در عین حال زندانیان سیاسی زیادی در خطر اجرای حکم اعدام هستند از جمله: شیرکو معارفی، لقمان مرادی، زانبار مرادی، حبیب‌الله گلپری پور، حبیب‌الله لطیفی، سعید ملک‌پور، حمیدی قاسمی، شال، مهدی علیزاده، رشید آخکندی، بهروز آبخانی، رضا اسماعیلی، حبیب افشاری، علی

افشاری، سید سامی حسینی، یاور رحیمی، اصغر رحیمی، بهنام رحیمی، مختار رحیمی، بهمن رحیمی، مردان ملکی، انور رستمی، مصطفی سلیمی-ایلویی، حسن طالعی، عزیز محمزهاده، سید جمال محمدی، ابراهیم عیسی پور و سیروان نژادی...

برای نجات جان همه محکومین به اعدام و برای اعلام انزجار علیه حکومت اسلامی ایران، متحدانه به ۱۹ اردیبهشت و هفته آینده فرصت مناسبی است که در سراسر جهان یکبار دیگر انزجار خود از اعدام‌ها در ایران و انزجار

خود از حکومت جنایت و چوبه دار اسلامی را با صدای بلند فریاد بزنیم. از همگان دعوت می‌کنیم که در سالروز اعدام فرزاد کمانگر و چهار همزمان او مراسم گرامیداشت به پا داشته و با جمع آوری امضا و یا سازمان دادن میتینگهای اعتراضی به احکام اعدام در ایران اعتراض کنند.

زنده باد یاد و خاطره معلم رزمنده و انسان دوست فرزاد کمانگر
مرگ بر حکومت جنایتکار اسلامی
کمیته بین‌المللی علیه اعدام
۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۱ برابر با ۵ ماه مه ۲۰۱۲

فقط فقر و بیکار سازی و گرانی ، نیازبه مجوزقانونی ندارد!

از صفحه ۵

میلیاردی و تعطیل کردن کارخانجات و بیکارکردن صدها هزارکارگر، درحقیقت میلیون‌ها نفر را ازنان خوردن و حداقل زندگی ساقط کرده‌اند، نهاد های قانونگذار! ونظارتی! خود بخشی از این سیستم غارتگری هستند. افشا شدن بخش های کوچکی از دزدی های باندهای حکومتی نقش این نهاد ها را بخوبی نشان داده است. گند فساد رژیم اسلامی، دنیا را برداشته است ... باید این غده ی عفونی و گندیده را از زندگی مردم درآورد و به زیاله دان انداخت.*

بخوبی شناخته‌اند. چرا که خود مسببین اصلی گرانی هستند و مردم را درتنگنا قرارداده و معیشت آنها و دریک کلام، زندگی مردم را به گروگان گرفته‌اند. اما تا صحبت از افزایش حداقل دستمزدهای کارمندان می‌شوند، بلافاصله حسابگر می‌شوند و یاد تورم می‌افتند. اما مردمی که خود قربانیان تورم هستند، می‌دانند: وقتی که دزدان و غارتگران ثروت های جامعه با اختلاس های

یونان به کجا می رود ؟

از صفحه ۴

اتخاذ این سیاست، تا به حال چندین وزیر و نخست وزیر ریز و درشت را در کشورهایی چون یونان، اسپانیا، پرتغال، ایرلند، و ایتالیا، جابجا کرده است بدون آنکه منجر به تخفیفی در بحران "یورو" شده باشد (امروز زمزمه خروج اسپانیا از "حوزه یورو" تا سه سال آینده به صفحه اول مدیا کشیده شد). بحران یورو از بحران جهانی سرمایه داری جدا نیست و بورژوازی اروپا به تنهایی قادر به

حل بحران نخواهد شد. اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یونان وخیم تر می شود چرا که مردم یونان عزم جزم کرده اند تا سرنوشت زندگی را خود بدست گیرند. با شرکت در انتخابات مجلس، با اردنگی جانانه ای، بورژوازی را به کنج رینگ کشانده و این اوباشان را به جان هم انداخته اند. منظره ای تماشایی است باید از این دیدنی ها لذت برد.*

کمک مالی به حزب
جیمی از تهران ۵۰۰ دلار

اساس سوسیالیسم انسان است!

از نام خلیج تا حکم قتل شاهین نجفی (فتوای ارتداد جرم جنایی است)

از صفحه ۵

خود اجازه ندهد که حکم قتل انسانی را صادر کند. باید از این آیت الله به مراجع بین المللی (اگر چنین مرجعی وجود داشته باشد!) شکایت کرد و خواستار دستگیری و بازداشت او شد. شاهین نجفی ها حق دارند هر چه دلشان خواست بخوانند و بگویند، به مذاق هرکس خوش نمی آید گوش نکنند. باید حق صادر کردن فتوای ارتداد انسانها به عنوان یک جرم جنایی در سطح جهان برسمیت شناخته شود. کمپین علیه سنگسار سکینه نشان داد که نباید در مقابل مذهب حالت دفاعی گرفت، "بهترین دفاع حمله است" باید این حکم قتل را بر سرشان خراب کرد. این نه فقط برای بی اعتبار کردن دین و مذهب بلکه برای اینکه شرایطی فراهم آید تا هر شاهین نجفی هر چه دلش خواست بگوید و ترانه بسراید و آنرا به گوش همه برساند.*

کرد که نباید به کسی در مورد آنها حرف بزند جز "اهل فن" یعنی همان آیت الله ها، که این یعنی حمایت از حکم قتل. شاهین نجفی بعد از صدور حکم قتل خود، با تاکید بر حق آزادی بیان و اندیشه، بر لایمذهبی خود تاکید کرده است و از منتقدان خواسته است "قبل از اینکه متدین یا بی دین" باشند، "انسان" باشند. براسستی که مسئله بر سر انسان بودن است. مسئله باید بر سر "هویت انسانی" باشد. این اما برای هیچ آیت الله ای، هیچ دینی، برای هیچ نوع ناسیونالیسمی نه تنها اهمیت ندارد، بلکه بمثابة سهم مهلك است. باید جنبش وسیعی بر سر فتوای مرگ شاهین نجفی براه افتد. باید کمپین وسیعی علیه این فتوا شکل بگیرد تا هیچ آیت اللهی به

تماما در باره آن سکوت کردند. آنجا هم که گزارش و یا خبری از آن را انتشار دادند، بیشتر از اعتراض يك و یا دو دانشجویی بود که به اعتراضاتی که منجر به بسته شدن دانشگاهها شده بود، اعتراض داشتند.

روزنامه سراسری Globe & Mail دانشجویی را پیدا کرده است که به این اعتراضات معترض است، اما همین دانشجوی هم در آخر گفته اش، به وضعیتی که دولت ایالتی به وجود آورده که زمینه ساز این اعتراضات است، معترض تر می باشد. به لیست مطالبی که همین روزنامه در باره این اعتراضات منتشر کرده است نگاه می کردم که برای یک لحظه چنین به نظر رسید که جنگ اینجا بین دانشجویان و این روزنامه است؛ در حالیکه "بی طرفی" در خبررسانی این رسانه های نان به نرخ روز خور، گوش فلک را کر کرده است.*

۵ مه ۲۰۱۲

بهار استان کبک در کانادا

از صفحه ۶

اجتماعی" بشوند تا بتوانند دولت را در حمله به سطح معیشت جامعه وادار به عقب نشینی کنند. سد ضخیم سانسور در قلب دنیای دموکراسی اعتراضات اخیر بالاخره سد سانسور و سکوت رسانه های اصلی را هم شکست و چند روزی است که در بعضی از روزنامه ها و رسانه های سراسری از اعتراض این دانشجویان و در واقع پس از واکنش و عقب نشینی های ضمنی دولت ایالتی اخباری منتشر شده است. این سکوت، با پیوستن نهادهای کارگری و زنان و بخش هر چه بیشتری از جامعه به این اعتراض، بنوعی چهره واقعی رسانه های باشراف را نیز نمایان کرد و زیر نورافکن گرفت. اعتصاب و اعتراض مذکور چندین هفته بود که در جریان بود، اما رسانه های اصلی خبری انگلیسی زبان، در بیرون از استان کبک،

مطالبات آن صدای مقاومت جامعه در برابر حملات نئولیبرالی است. "اخیرا CLASSE نیز بیانیه ای صادر کرده است که از کل جامعه خواسته است از آنجا که مطالباتی را که این اعتراضات در دستور خود دارند، مطالباتی صنفی مختص به تعدادی دانشجوی نیست، به مبارزه آنها بپیوندند. در بخشی از این بیانیه آمده است: "دانشجویان اعتصابی خود بر این امر واقفند که به تنهایی قادر نخواهند بود دولت ایالتی را از دست زدن به همه این اقداماتی که حذف خدمات عمومی و طرح ریاضتهای اقتصادی در دستور دارد، به عقب نشینی وادارد." این بیانیه سپس از بخشهای مختلف تشکلهای موجود و از جمله اتحادیه های کارگری می خواهد که با قدرت وارد "اعتصاب

گردهمایی، سخنرانی، گفت و شنود در استکهلم

ایران بعد از جمهوری اسلامی:

دو افق، دو آینده !

سخنرانان: حمید تقوایی، شهلا دانشفر، خلیل کیوان



زمان: شنبه ۱۲ مه ساعت ۳ بعد از ظهر

مکان: kista träff:

تلفن تماس: ۰۷۰۷۴۳۲۵۴۷

از شما دعوت میکنیم که در این گردهم آیی که فرصتی برای آشنایی با رهبری و سیاست های حزب است، شرکت نمائید.

تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست کارگری ایران- سوئد

Free jailed workers in Iran



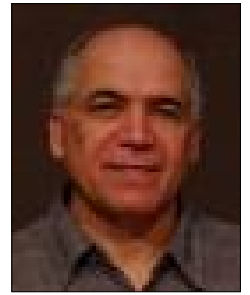
FREE THEM NOW!

تلفن تماس با حزب در
خارج از کشوراصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲تلفن تماس با حزب از ایران
شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110,
127 02 Skärholmen - Sweden

فتوای دایناسورهای اسلامی و آزادی بی قید و شرط



اصغر کریمی

فتوای دایناسورهای اسلامی به اهانت کنندگان به ائمه شیعه که به کمپین قمه کشان و ابوباش حزب اللهی علیه شاهین نجفی امتداد یافت، موحی از حمایت از شاهین نجفی و آزادی بیان و یورش تندى علیه مذهب و اسلاميون را دامن زده است. این نفرتی تلنبار شده و بیسابقه از کل اسلام و خرافات و حکومت اسلامی و جنایاتی است که بیش از سه دهه بر این مملکت حاکم بوده است.

موج پشتیبانی از شاهین نجفی و کامنت های زیادی که علیه اسلام و خرافه در این فاصله کوتاه دیده میشود، نوك كوه عظیم جنبشی است که صرفا مربوط به آینده نیست، واقعیت امروز جامعه ایران است. ایران صرفنظر از اینکه چه کسری از مردمش هنوز به خرافه اسلام اعتقاد داشته باشند يك جامعه غیر اسلامی است و نه تنها این، که در ایران يك جنبش عظیم ضد مذهبی وجود دارد که فرانسه در مقطع انقلاب ۱۷۸۹ به گرد پای آن هم نمیرسد.

در این میان اما عکس العمل بخش گسترده ای از اپوزیسیون جمهوری اسلامی واقعا تماشائی است. تکلیف ملی اسلامی های همزاد جمهوری اسلامی البته کاملا روشن است. شاید مجتبی

واحدی نماینده کروی همه آنها را یکجا نمایندگی کرد وقتی به تبلیغ صفحه "ما سبز ها بی حرمتی شاهین نجفی به امام هادی (ع) را محکوم می نماییم" پرداخت (و یا خود او این صفحه را راه انداخت)، اما در مقابل شمشیرچرخانی های ابوباش اسلامی علیه شاهین نجفی لام تا کام چیزی نگفت. این موضوع کم و بیش کل طیف ملی اسلامی از شیرین عبادی و گنجی و سروش تا سایر اسلامی های پاستوریزه شده را نمایندگی میکند. مجتبی واحدی قول داده است! بعدا درمورد فتوای گلپایگانی موضع بگیرد. نقدا علیه يك ترانه موضع گرفته و محکوم کرده و به جنگ مخالفین گلپایگانی و موافعین آزادی بیان رفته است. مشکل امثال واحدی البته قابل درك است. سدرسته ابوباش اسلامی یعنی خمینی اولین فتوای قتل را صادر کرده است و دست اینها را هم در پوست گردو گذاشته است. نه آقای واحدی، لزومی ندارد منتظر فرمایشات بعدی شما درمورد فتوای دایناسورهای اسلام شویم همین صفحه ای که در فیس بوك باز کرده اید و کامنت هایتان بعد کافی شما و همزمان مسلمانان را نمایندگی کرده است و مردم دارند جوابتان را میدهند. انتظار دیگری هم از شما و کل جنبش تان نیست. شما بخشی از حکومت اسلامی بوده اید و هنوز هم در رویای بازگشت به دوره امامتان هستید. تکلیف مردم با شماها به حد کافی روشن است. درضمن شما حزب کمونیست کارگری را به استالینیسم منتسب کرده اید. این زیادی نجسب است. به این مساله بعدا خواهم پرداخت. فقط همینقدر اشاره کنم که قتل هزاران کمونیست

در پرونده استالین بیشتر به حکومت اسلامی شباهت دارد تا به حزب کمونیست کارگری.

اما جریانات راست طرفدار دول غربی از حزب مشروطه و رضا پهلوی و طرفداران او و سایر محافل سطلنت طلب چه؟ ناسیونالیست های کرد و چپ های ملی اسلامی از حزب دمکرات ها و قومپرستان تا امثال اکثریت و حزب توده کجا هستند؟ اینها چرا یکپارچه سکوت کرده اند؟ هنوز باید دید آیا هیچکدام حاضرند از آزادی بی قید و شرط و آزادی هجو مقدسات بدون لکنت زبان دفاع کنند یا نه، تا اینجا که با سکوت خود بی ربطی شان را به مساله آزادی بیان و جنبشی که در دفاع از آن براه افتاده است نشان داده اند. مشکل اینها دو چیز است. نه شهادت موضع گیری صریح علیه اسلام و خرافات را دارند و نه طرفدار آزادی بی قید و شرط بیان هستند. اینها حتی یکبار محض اشتباه عبارت آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده و همینطور آزادی تشکل و اعتصاب از زبانشان شنیده نمیشود. ممکن است بعضا علیه فتوا حرفی بزنند اما با لحن تندتری شاهین نجفی را ملامت خواهند کرد و حالا حالاها و یا هیچوقت از آزادی بی قید و شرط بیان و آزادی هجو مذهب و مقدسات سخن نخواهند گفت. در ایرانی که اینها میخواهند توهین به مقدسات جرم است، اعتصاب جرم است، تشکل و تحزب با زندان همراه است مخصوصا اگر کمونیست باشید، آزادی بیان تا جایی آزاد است که نظامشان را زیر سوال نبرد یعنی به همان اندازه که در حکومت اسلامی آزادی هست!

تا دلتان بخواهد از حقوق بشر حرف میزنند اما حقوق بشر اینها شامل آزادی بی قید و شرط سیاسی و آزادی نقد و هجو مذهب و خرافه نمیشود. همینطور که در سیستم اینها لغو مجازات اعدام و الغای قوانین کثیف اسلامی ضد زن جایی ندارد. همینطور که رفاه و بیمه و طب رایگان موضوعیتی ندارد. اینها خود را بدهکار این حرفها نمیدانند! جامعه باید اینها را همینطور که هستند بشناسد. ما همه تلاشمان را برای شناساندن آنها به مردم خواهیم کرد.

"آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل" یکی از بندهای برنامه "يك دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری است. این يك بند کلیدی درمورد آزادی های سیاسی است. کسی که، حزب و سازمان و گروهی که از بی قید و شرط بودن آزادی های سیاسی صریح و بی پرده حمایت نکند و در برنامه خود اعلام نکند، فردا اگر در گوشه ای از این مملکت به قدرت برسد، به اسم توهین به مقدسات و توهین به خاک و وطن و مذهب و اعلیحضرت و غیره سرکوب خواهد کرد. در این شك نداشته باشید. و حزب و گروهی که به صراحت از

جدائی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش و سیستم قضائی حرف نزنند، مذهب را امر صرف خصوصی مردم معرفی نکند و از حکومتی بدون دین رسمی صحبت نکنند تردید نداشته باشید که سکولاریسمش قلابی است. یعنی در يك کلام اینها نه آزادخواهند نه کلمه سکولار برازنده آنها است. رفاه و برابری پیشکش شان!

جامعه ایران از سکولاریسم بسیار فراتر خواهد رفت. ایران صحنه رویارویی عظیم مردم با تحجر اسلام خواهد شد. اپوزیسیونی که از چهار خواست روشن برای يك جامعه سکولار طفره میبرد و حاضر نیست يك کلمه از بی قید و شرط بودن آزادی ها صحبت کند، باید از همین الان فکری به حال خودش بکند.

حزب کمونیست کارگری کمونیسمی انسانی، بشدت آزادیخواه، مدرن و قرن بیست و یکمی را نمایندگی میکند. آزادی، رفاه و برابری حرف اول را در فکر و عمل این حزب میزنند. کسی که میخواهد از لجن اسلام و تحجر خلاص شود و به آزادی واقعی برسد باید این حزب را انتخاب کند.

مه ۲۰۱۲

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!